

تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حس‌تعلق اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی محصور، مورد مطالعاتی: مجموعه‌های مسکونی شهر همدان*

رامین مدنی** - علیرضا عینی‌فر*** - بروس جاد**** - محمد جلیلی*****

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

از چند دهه پیش تاکنون، ظهور و گسترش مجموعه‌های مسکونی برنامه‌ریزی شده با محدوده‌های سخت و قابل کنترل، به نام مجموعه‌های مسکونی محصور و بحث درخصوص پیامدهای اجتماعی زندگی در آنها، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. در ادبیات مسکن‌سازی، اختلاف‌های زیادی در خصوص ادراک حس‌تعلق اجتماعی، به‌عنوان شاخصی برای کیفیت زندگی اجتماعی ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهند که مجموعه‌های مسکونی محصور می‌توانند هم موجب افزایش و هم کاهش حس‌تعلق اجتماعی شوند. با توجه به کارکردهای مهم حس‌تعلق اجتماعی، این پژوهش سعی کرده است نگاه دقیق‌تری به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و ارتقاء آن در مجموعه‌های مسکونی محصور داشته باشد. در این تحقیق، با استفاده از روش پیمایش و بهره‌گیری از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و توزیع پرسش‌نامه، حس‌تعلق اجتماعی ۳۶۰ نفر از ساکنان بالای بیست سال، سه مجموعه مسکونی محصور در شهر همدان تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد متغیرهای پیوند اجتماعی محلی، اعتماد و کنترل اجتماعی، احساس امنیت، مدت اقامت، استفاده از فضای عمومی و وجود کاربری‌های مختلط، رابطه معناداری با حس‌تعلق اجتماعی دارند. مطابق نتایج تحقیق، میزان حس‌تعلق اجتماعی در میان ساکنان مجموعه‌های مسکونی مطالعه شده، در حد بالایی نیست. نتیجه تحقیق، تأییدکننده آن دسته از دیدگاه‌های مخالف در ادبیات است، که بر روی هزینه‌های اجتماعی مجموعه‌های مسکونی محصور تأکید می‌کنند. بر این اساس، مجموعه‌های مسکونی محصور می‌توانند یک مانع در برابر تعامل باشند و ممکن است بر مشکلات ایجاد شبکه‌های اجتماعی که فرصتی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌آورند، بیفزایند.

واژگان کلیدی: مجموعه مسکونی محصور، محدوده سخت، حس‌تعلق اجتماعی، فضای عمومی، همدان.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نویسنده چهارم با عنوان «تأثیر محدوده کالبدی مجموعه‌های مسکونی بر حس‌تعلق اجتماعی ساکنان: مقایسه مجموعه‌های مسکونی محصور و غیرمحصور در تهران» با راهنمایی نویسنده اول و نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد.
** استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: r.madani@au.ac.ir

*** استاد معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
**** استاد معماری، دانشکده معماری، پردیس محیط ساخته شده، دانشگاه نیوساوت ولز، سیدنی، استرالیا.
***** دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

از چند دهه پیش تاکنون، یک ساختار فضایی قدیمی، مجدداً در برنامه‌ریزی و طراحی مجموعه‌های مسکونی پدیدار شده است. در شهرهای قدیمی، مناطقی وجود داشتند که از طریق دیوارکشی و ساخت برج و بارو از بقیه مناطق شهر تفکیک می‌شدند و امنیت بیشتری برای ساکنان خود به ارمغان می‌آوردند (Judd, 1995; Low, 2003). امروزه نیز ساخت مجموعه‌های مسکونی با محدوده‌های سخت و حفاظت شده در شهرها ادامه دارد. به گونه‌ای که هم‌اکنون، دیوارکشی و محصور کردن محیط‌های مسکونی، تبدیل به یکی از مشخصه‌های معمول و رو به رشد در اکثر شهرها شده است (Blandy, 2018; Blakely, 1999). در ادبیات طراحی محیطی، به یک طرح مسکونی که در آن سعی می‌شود از طریق ایجاد حصار و دورازه، یک محیط مسکونی با دسترسی محدود شکل بگیرد، مجموعه مسکونی محصور^۱ یا دروازه‌دار گفته می‌شود^۲ (Atkinson & Blandy, 2013; Blakely & Snyder, 1997). گسترش مجموعه‌های محصور در شهرهای معاصر، همچنان که الین^۳ (۱۹۹۷) از آن به عنوان «معماری ترس^۴» و فوکو^۵ (۲۰۰۷) به عنوان «معماری کنترل^۶» نام می‌برند، شکل جدیدی از سکونت را نشان می‌دهند. شکلی از سکونت که در آن، ساکنان احساس می‌کنند نمی‌توانند برای کنترل حریم خصوصی، دوری از جرم و حفظ منزلت اجتماعی خود، به قوانین عمومی و فرآیندهای متغیر اجتماعی-سیاسی جامعه اعتماد کنند (Roitman, 2010; Byers, 2003; Maxwell, 2004; Grant, 2007).

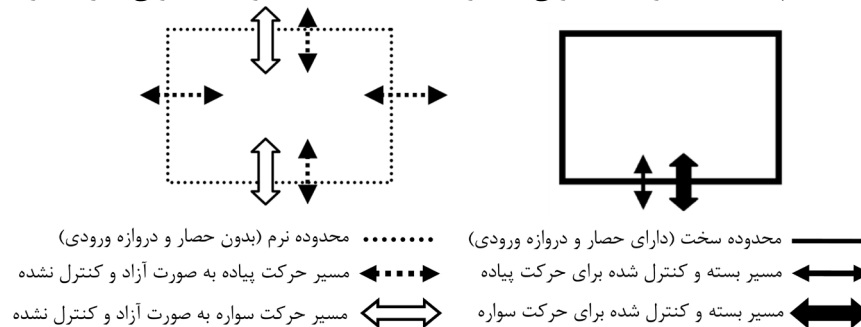
علی‌رغم گسترش روزافزون مجموعه‌های مسکونی محصور در شهرها، درخصوص پیامدهای اجتماعی زندگی در آن‌ها، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهند که مجموعه‌های مسکونی محصور می‌توانند هم موجب افزایش و هم کاهش حس تعلق اجتماعی، به عنوان شاخصی برای پیوندهای اجتماعی، بین ساکنان شوند (Blakely, 2000; Wilson-Doenges, 2000; Le Goix, 2005; Snyder, 1997). با توجه به کارکردهای مهم حس تعلق اجتماعی در محیط‌های مسکونی، این پژوهش سعی کرده است که نگاه دقیق‌تری به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در مجموعه‌های مسکونی محصور بیان‌دازد. پرسش اصلی تحقیق عبارت است از: «وضعیت حس تعلق اجتماعی در بین ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور شهر همدان چگونه است و از چه عواملی بیشترین تأثیر را می‌پذیرد؟» برای این منظور، پس از مرور ادبیات و بیان چارچوب نظری تحقیق، نحوه گردآوری داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها شرح داده شده است.

۱. پیشینه تحقیق

۱-۱- تعریف مجموعه‌های مسکونی محصور

در ادبیات مسکن‌سازی، یک تعریف واحد و یا توافق عمومی بر روی مفهوم «مجموعه مسکونی محصور» وجود ندارد. اصطلاحات متعددی برای اشاره به این پدیده مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این مجموعه‌ها، در ایالات متحده به «مجموعه‌های مسکونی مشترک المنافع^۷» و «محل‌های خصوصی^۸» (McKenzie, 2003)؛ در آفریقای جنوبی به «محل‌های بسته^۹» و «دهکده امن^{۱۰}» (Landman, 2000; 2002a; 2002b) و در سنگاپور به «شهرک‌های کاندومینیومی بسته^{۱۱}» (Zaireen et al., 2015) معروف هستند. هر یک از این اصطلاحات، ممکن است به یکی از ویژگی‌های خاص مجموعه‌های مسکونی محصور اشاره کند. با این وجود، همه آن‌ها دارای مشخصه‌های کالبدی مشابه هستند و به عنوان یک محیط مسکونی تلقی می‌شوند که با دیوارها، حصارها یا محوطه‌سازی که مانعی کالبدی برای ورود افراد غریبه فراهم می‌سازند، بسته می‌شوند (Blakely & Snyder, 1997; Low, 2003). مجموعه‌های مسکونی محصور اغلب از مکانیسم‌های نظارت بر دسترسی برخوردارند که شامل کارکنان امنیتی یا سیستم دوربین‌های مدار بسته^{۱۲} برای کنترل ورود و خروج می‌باشند (Grant & Mittelstead, 2004; Atkinson & Blandy, 2013). دیگر ویژگی مهم مجموعه‌های مسکونی محصور این است که دارای هئیت مدیره‌ای منتخب از ساکنان مجموعه هستند که بر مشاعات و زمین‌های مجموعه نظارت کرده و قراردادهای شرایط و محدودیت‌هایی را برای زندگی در آن‌ها تنظیم می‌کنند (Blakely & Snyder, 1997).

شکل ۱: کانسپت یک مجموعه مسکونی محصور (راست) و یک مجموعه مسکونی غیرمحصور (چپ)



(Kim, 2006, p. 63)

۲-۱- تعریف حس‌تعلق اجتماعی و کارکردهای آن

حس روانشناختی تعلق به اجتماع محلی^{۱۳} یا به‌صورت مختصر «حس‌تعلق اجتماعی»^{۱۴} از ریشه لاتین *communitas* است که در لغت به معنای «رفاقت و همبستگی» است (Cowan & Hall, 2005). با توجه به وسعت کاربرد مفهوم حس‌تعلق اجتماعی در حوزه‌های پژوهشی مختلف، تعریف واحدی از آن وجود ندارد. ولی حس‌تعلق اجتماعی اغلب این‌گونه تعریف شده است: «حسی که فرد در طی آن احساس متعلق بودن به یک گروه را دارد و در آن اعضاء احساس می‌کنند که برای یکدیگر و برای گروه مهم‌اند. حس‌تعلق اجتماعی سبب ایجاد این باور مشترک در بین اعضاء گروه می‌شود که نیازهای آن‌ها از طریق تعهد به یکدیگر برآورده می‌شود» (McMillan & Chavis, 1986, p. 9). پژوهشگران حس‌تعلق اجتماعی را به‌عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی در طبقات اجتماعی تعریف می‌کنند (McMillan, 1996). افرادی که حس‌تعلق اجتماعی بیشتری در محل زندگی خود دارند، برای مقابله با جرم و جنایت، آمادگی بیشتری نشان می‌دهند (Austin et al., 2002).

۳-۱- عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حس‌تعلق اجتماعی

حس‌تعلق اجتماعی، احساس امنیت و تعلق را با خود به همراه دارد (Chavis & pretty, 1999, p. 635) و به‌صورت عکس نیز، احساس امنیت می‌تواند موجب افزایش حس‌تعلق اجتماعی شود. افرادی که محل زندگی خود را امن می‌دانند، نسبت به آن حس‌تعلق اجتماعی بیشتری دارند. «فقدان احساس امنیت موجب می‌شود ساکنان خود را از مکان‌های عمومی و رویدادهای محلی دور نگه دارند» (Greenberg & Rohe, 1984, p. 48) و سبب کاهش حس‌تعلق اجتماعی می‌شود. در اکثر مطالعات، پیوندهای اجتماعی همبستگی‌های قوی و مثبتی داشته‌اند (Glynn, 1986; Skjaeveland et al., 1996; Rogers & Sukolratanamete, 2009). پیوندهای اجتماعی به تعاملات همسایگان ارجاع دارد و مواردی مانند امانت دادن یا امانت گرفتن ابزار و لوازم، نگهداری از بچه‌ها، ملاقات‌های غیررسمی، درخواست‌های کمک در مواقع اضطراری و غیره را در بر می‌گیرد (Chavis & Wandersman, 1990; Amirkafi & Fathi, 2011). همچنین «زمانی که ساکنان یک محله ارزش‌ها و نیازهای مشترکی دارند، یک پیوند اجتماعی قوی میان آن‌ها ایجاد می‌شود که در نهایت منجر به حس‌تعلق اجتماعی می‌شود» (Nasar & Julian, 1995, p. 179). این تعهد و دلبستگی نسبت به محله و مردم آن تحت عنوان ریشه داشتن در محل^{۱۵} شناخته شده است (Davidson & Cotter, 1986; Riger & Lavrakas, 1981). ریشه داشتن در محل به مدت زمان اقامت فرد در محله یا حق سکونت وی و انتظارات ناشی از آن و همچنین مالکیت خانه بستگی دارد (Rogers & Sukolratanamete, 2009).

تالن^{۱۶} (1964 - 1965, p. 1999) از بین عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقاء حس‌تعلق اجتماعی در محیط‌های مسکونی، دو عامل «وجود فضاهای عمومی» و «شکل‌گیری کاربری‌های مختلط» را در سطح محله و محیط مسکونی، مهم‌تر می‌داند. وی معتقد است که در فضاهای عمومی، برخوردهای اتفاقی منجر به تقویت پیوندهای محله‌ای و اجتماعی می‌شود. مکان‌های تجمع در محیط، موجب شکل‌گیری مسائل عاطفی در بین اجتماع همسایگان شده و ساکنان از آن‌ها به‌عنوان مکانی برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند. کاربری‌های مختلط که جین جیکوبز^{۱۷} (۱۹۶۱) آن را ترکیبی از عملکردهای متفاوت تجاری و مسکونی می‌داند فضایی چند منظوره ایجاد می‌کند که موجب می‌شود افراد برای ادامه سکونت خود در یک محیط مسکونی تشویق شوند و مکانی برای برخوردهای اتفاقی مکرر^{۱۸} به‌وجود می‌آورد تا در آن پیوندهای اجتماعی ایجاد و تقویت شوند. برخوردهای اتفاقی مکرر و افزایش حضور مردم در محیط به سبب وجود کاربری‌های مختلط موجب افزایش احساس امنیت کاربران در محیط نیز می‌شود.

فضاهای عمومی در مجموعه‌های مسکونی، مانند زمین‌های بازی، فروشگاه‌ها و فضاهای سبز می‌توانند با افزایش احتمال برخورد و رویارویی همسایگان با یکدیگر احساس تعلق اجتماعی را تقویت کنند (Talen, 1999). «پژوهش‌های اندکی به بررسی این که ارتباط میان فضای عمومی و حس‌تعلق اجتماعی تا چه حد تحت تأثیر میزان استفاده از فضای عمومی قرار دارد، پرداخته‌اند» (Francis et al., 2012, p. 402). با توجه به این‌که ملاقات‌های رودررو و برنامه‌ریزی نشده مکرر که مدت زمان آن‌ها نیز افزایش می‌یابد یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری دوستی‌ها به‌شمار می‌رود (Leyden, 2003)؛ استفاده مکرر از فضای عمومی روش قابل قبولی است که شانس رویارویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گل^{۱۹} (۲۰۱۳؛ ۲۰۱۱) معتقد است که از طریق طراحی می‌توان بر تعداد استفاده‌کنندگان از محیط، بر دوام عملکردها و نحوه گسترش آن‌ها در محیط تأثیر گذاشت. وی فعالیت‌های بیرونی در فضاهای باز عمومی را به سه دسته فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی تقسیم می‌کند. حس‌تعلق اجتماعی همانند سایر مفاهیم مرتبط با انسان، مانند تنظیم خلوت، فضای شخصی و غیره تحت تأثیر عوامل فردی است. عوامل فردی با ویژگی‌ها و خصوصیات افراد سروکار دارد (Altman & Wohlwill, 2012). عوامل فردی فراوانی در ایجاد حس‌تعلق اجتماعی نقش دارند (Hill, 1996). عواملی چون مدت زمان اقامت (Skjaeveland et al., 2001; Obst et al., 2001)، مالکیت خانه (McMillan & Chavis, 1986)، وجود فرزندان در خانه (Buckner, 1988) و مدت (Buckner, 1988)، جنسیت (Campbell & Lee, 1992)، عضویت یا حس دلبستگی (Brodsky & Marx, 2001) و مدت ارتباط با همسایگان (Riger & Lavrakas, 1981) همگی در افزایش حس‌تعلق اجتماعی نقش دارند.

۲. چارچوب نظری

شکل دو، الگوی تحلیلی تحقیق را نشان می‌دهد که در آن عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ارتقاء حس تعلق اجتماعی مشخص شده‌اند. براساس پیشینه موضوع، متغیرهای تأثیرگذار تحت سه عامل اجتماعی، محیطی و فردی دسته‌بندی شده‌اند. این عوامل، ممکن است در شکل‌گیری سایر مفاهیم مرتبط با ادراک، رفتار و فعالیت‌های انسانی نیز مؤثر باشند (Bell et al., 2005; Gifford, 2007). هر یک از این عوامل چندین متغیر را شامل می‌شوند.

شکل ۲: دسته‌بندی عوامل تأثیرگذار بر مفهوم حس تعلق اجتماعی



۲-۱- فرضیه‌های تحقیق

مطابق الگوی تحلیلی مقاله، سه فرضیه پژوهشی را می‌توان مطرح کرد. هر کدام از این فرضیه‌ها متناظر با یکی از عوامل شناسایی شده در چارچوب نظری هستند؛ به گونه‌ای که فرضیه اول متناظر با عوامل اجتماعی، فرضیه دوم متناظر با عوامل فردی و در نهایت فرضیه سوم متناظر با عوامل کالبدی تأثیرگذار بر ادراک حس تعلق اجتماعی توسط ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور است.

- فرضیه اول: بین متغیرهای اجتماعی و حس تعلق اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی محصور در شهر همدان رابطه وجود دارد. متغیرهای اجتماعی شامل پیوندهای اجتماعی محلی، اعتماد اجتماعی، کنترل اجتماعی و احساس امنیت می‌باشند.
- فرضیه دوم: بین متغیرهای ویژگی‌های فردی شامل جنسیت، وضعیت تأهل، سن، تعداد فرزندان کمتر از دوازده سال در خانه، مدت اقامت در مجموعه‌های مسکونی محصور شهر همدان و حس تعلق اجتماعی ساکنان رابطه وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین ویژگی‌های کالبدی مجموعه‌های مسکونی محصور شهر همدان و حس تعلق اجتماعی ساکنان رابطه وجود دارد. ویژگی‌های محیط کالبدی عبارتند از: وجود کاربری‌های مختلط، استفاده از فضاهای عمومی و وجود حصار و دروازه در مجموعه‌های مسکونی محصور.

۲-۲- متغیرهای تحقیق

در این تحقیق، متغیر حس تعلق اجتماعی بر مبنای روابط ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور مورد مطالعه و عملکرد موفقیت‌آمیز مجموعه مسکونی در برقراری ارتباط اجتماعی ارزیابی شده است. سازه حس تعلق اجتماعی با استفاده از پرسش‌نامه دوازده بخشی طراحی شده توسط مک‌میلان و چاویس^{۲۰} (۱۹۸۶) اندازه‌گیری شده است. این شاخص‌ها برای سنجش حس تعلق اجتماعی در محیط‌های مسکونی مختلف طراحی شده و در میان مقیاس‌هایی که برای این منظور طراحی شده‌اند، بیشترین کاربرد را داشته است (Pooley et al., 2005). پایایی درونی^{۲۱} پرسش‌نامه تنظیم شده توسط مک‌میلان و چاویس^{۲۲} (۱۹۸۶) بالا است و طبق مطالعات انجام شده ضریب آلفای کرونباخ^{۲۳} آن ۰/۸۰ است (Perkins et al., 1990). این دوازده شاخص در جدول ۱ ارائه شده است. پرسش‌نامه مک‌میلان و چاویس (۱۹۸۶) برای سنجش حس تعلق اجتماعی ساکنان محله‌ها و واحدهای همسایگی شهرهای اروپایی و آمریکایی تنظیم شده (Chipuer & Pretty, 2004; Obst & White, 1999)؛ ولی در این تحقیق، گویه‌های پرسش‌نامه مذکور، با توجه به روابط اجتماعی و مراودات همسایگی در فرهنگ ایرانی نوشته شده است. همانگونه که در ردیف یازده جدول یک مشاهده می‌شود، سؤال درباره مراسم و برنامه‌های جمعی چون برگزاری مراسم مذهبی و جشن‌ها، با توجه به فرهنگ ایرانی تنظیم شده است. به‌دلیل تغییر گویه یازدهم پرسش‌نامه، برای اطمینان، مجدداً پایایی درونی پرسش‌نامه محاسبه شد که در ارزیابی مجدد، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد. اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی در ابتدای پرسش‌نامه توزیع شده، درج شد. پیوندهای اجتماعی محلی بیان‌کننده «روابط و تعاملات اجتماعی پایدار در میان همسایگان است و طیف گسترده‌ای از مبادلات اجتماعی را در بر می‌گیرد» (Amirkafi & Fathi, 2011, p. 12). در این تحقیق متغیر پیوندهای اجتماعی محلی توسط شاخص‌های تمایل به دیدارهای روزانه با همسایگان، انجام گفت‌وگوهای خودمانی با همسایگان، برگزاری مهمانی‌ها و مراسم، و تقاضای کمک از همسایگان به هنگام نیاز سنجیده شده است.

اعتماد اجتماعی به معنای «حسن ظن ساکنان محیط مسکونی نسبت به همسایگان و سایر ساکنان» می‌باشد (Amirkafi & Fathi, 2011, p. 12). متغیر اعتماد اجتماعی با استفاده از سه شاخص تمایل به پیدا کردن دوستان جدید از بین ساکنان مجموعه، موافقت با تقاضای همسایگان برای امانت دادن وسایل، صحبت با همسایه درباره یک مشکل شخصی، تعریف عملیاتی شده است.

کنترل اجتماعی غیررسمی به معنای «آمادگی و تمایل ساکنان برای مداخله و اقدام در جهت حل مسائل محل زندگی» است (Amirkafi & Fathi, 2011, p. 12). این متغیر با استفاده از سه شاخص نظارت بر رفتار و روابط فرزندان و سایر همسایگان در سطح مجموعه، تلاش در جهت تأمین آرامش مجموعه و توانایی شناخت افراد غریبه‌ای که وارد مجموعه مسکونی می‌شوند، قابل اندازه‌گیری شده است. «احساس امنیت را می‌توان در امان بودن یا در امان حس کردن خود از تهدید، صدمه، آسیب و خطر تعریف کرد» (Amirkafi & Fathi, 2011, p. 12). احساس امنیت توسط شاخص‌های، قدم زدن در محوطه مجموعه مسکونی در طول شبانه‌روز بدون احساس ترس، ترک خانه و پرداختن به امور روزانه و میزان تمایل به تنها ماندن در خانه، اندازه‌گیری شده است.

برای اهداف این تحقیق، سه فضای عمومی در مجموعه‌های مسکونی محصور شامل فروشگاه‌ها (خرده‌فروشی‌ها)، زمین‌های بازی و فضاهای باز عمومی جهت مطالعه انتخاب شده است. در ادبیات، این فضاهای عمومی به‌عنوان «متعارف‌ترین مکان‌ها برای تعامل اجتماعی در یک محیط مسکونی» تشخیص داده شده است (Francis et al., 2012, p. 402). وجود فروشگاه‌ها (خرده‌فروشی‌ها) در مجموعه‌های مسکونی، علاوه بر ایجاد مکان‌های عمومی برای تسهیل روابط اجتماعی به شکل‌گیری کاربری‌های مختلط هم کمک می‌کنند.

متغیر «استفاده»^{۲۴} از فضای عمومی با استفاده از دو شاخص تعداد دفعات استفاده از فضای عمومی^{۲۵} و نحوه استفاده از فضاهای باز عمومی^{۲۶} قابل مشاهده و سنجش شده است. تعداد دفعات استفاده شرکت‌کنندگان از فضای عمومی با پرسش «هر چند وقت یکبار از این فضاها استفاده می‌کنید» سنجیده شده است. مقیاسی سه‌تایی (زیاد، متوسط و کم) برای پاسخ این سؤال در نظر گرفته شده است. استفاده «زیاد» یعنی حداقل دو بار در هفته، استفاده «متوسط» یعنی یکبار در هفته و استفاده «کم» به این معنا است که پاسخ‌دهنده بیش از هر دو هفته از فضاهای عمومی مجموعه خود استفاده می‌کند. نحوه استفاده از فضای باز عمومی این‌گونه عملیاتی شده است که شرکت‌کنندگان باید به این سؤال که «برای انجام ۹ فعالیت خاص زیر، به چه میزان از فضای باز عمومی مجموعه استفاده می‌کنید» پاسخ بدهند. پاسخ به این سؤال نیز در مقیاسی سه‌تایی از کم تا زیاد تنظیم شده است. نه فعالیت مذکور عبارت‌اند از:

۱- ورزش کردن یا تماشای افرادی که ورزش می‌کنند؛ ۲- شرکت در یک رویداد خاص؛ ۳- سلام و احوالپرسی با همسایگان؛ ۴- پیاده‌روی یا آهسته دویدن؛ ۵- آرامش و استراحت؛ ۶- همراهی کودکان در زمین بازی؛ ۷- رفتن به مدرسه یا محل کار؛ ۸- خرید و ۹- تعمیر یا شستن خودرو. این فعالیت‌ها متناسب با سه فعالیت اصلی گل (۲۰۱۱) در فضاهای باز عمومی - فعالیت‌های اجتماعی، انتخابی و ضروری - انتخاب شده است. گزینه‌های یک تا سه مربوط به فعالیت‌های اجتماعی، گزینه‌های چهار تا شش مربوط به فعالیت‌های انتخابی و گزینه‌های ۷ تا ۹ مربوط به فعالیت‌های ضروری است.

۳. روش تحقیق

حس‌تعلق اجتماعی از جنس مقولات ادراکی است و با ادراک مردم از محیط زندگی خود و ارتباط آن‌ها با دیگران، مرتبط است (Chipuer & Pretty, 1999). برای سنجش مقولات ادراکی، همواره توصیه می‌شود که از خود مردم (مشارکت‌کنندگان در تحقیق) گزارش دریافت کرد. در این تحقیق، از روش پیمایش^{۲۷} که بهترین شیوه برای گردآوری داده‌های خود - گزارشی^{۲۸} می‌باشد (Gifford, 2016)، استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، شامل ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور شهر همدان بود. برای نمونه‌گیری بهتر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. این روش در نمونه‌گیری از محله‌ها و مجموعه‌های شهری کاربرد دارد. بر اساس این روش، ابتدا از شانزده مجموعه مسکونی محصور موجود در شهر همدان که شرایط قرارگیری در جامعه آماری را داشتند، سه مجموعه مسکونی محصور به قید قرعه و به شکل تصادفی انتخاب شدند. یعنی واحد نمونه‌گیری در مرحله اول مجموعه مسکونی محصور بود. در این مرحله، سه مجموعه مسکونی امام خمینی (ره) واقع در شهرک مدنی، مجموعه مسکونی سعیدیه واقع در بلوار سعیدیه و مجموعه مسکونی غدیر در شهرک بهشتی انتخاب شدند. هر سه این مجموعه‌ها، دارای محدوده سخت (حصار و دروازه)، کنترل دسترسی، تسهیلات خصوصی و هویت مدیره‌ای منتخب از ساکنان هستند که همان ویژگی‌های اصلی مجموعه‌های مسکونی محصور محسوب می‌شوند.

در مرحله دوم نمونه‌گیری، از میان ساکنان مجموعه‌های مسکونی تعدادی از افراد بالای بیست سال به صورت تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. مطابق پرسش‌های میدانی از مدیران مجموعه‌ها در خصوص تعداد ساکنان و مطابق معیارهای حجم نمونه، به‌گونه‌ای که بتوان از معرف بودن آن اطمینان داشت، در هر مجموعه مسکونی ۱۱۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. برای اطمینان بیشتر در هر مجموعه مسکونی ۱۲۵ پرسش‌نامه توزیع شد که در نهایت با کنار گذاشتن

پرسش‌نامه‌های برگشتی ناقص، ۳۶۰ پرسش‌نامه مورد تحلیل قرار گرفت. این حجم نمونه، با توجه به محدودیت‌های زمانی و امکانات تحقیق و همچنین رهنمودهای پدهازور^{۲۹} (۱۹۹۷) مبنی بر حداقل ۲۰۰ نمونه برای کنترل نوسانات وزن‌های بتا^{۳۰} و خطای استاندارد، انتخاب شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

حس‌تعلق اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی محصور مورد مطالعه، براساس دوازده گویه مستخرج از ابعاد حس‌تعلق اجتماعی که در شرحی که در جدول یک آمده، مورد سنجش قرار گرفت. چنان‌که ملاحظه می‌شود، گویه‌ها در قالب طیف لیکرت به دو صورت مثبت و منفی با پنج امکان پاسخ (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) طرح شدند. در مجموع، بررسی میانگین گویه‌ها نشان می‌دهد که حس‌تعلق اجتماعی ساکنان مجموعه‌های مسکونی مورد مطالعه در حد بالایی نیست.

جدول ۱: فراوانی گویه‌های متغیر حس‌تعلق اجتماعی

| ردیف | گویه‌ها | میزان (درصد) | | | | | میانگین | انحراف معیار |
|------|--|---------------|--------|------------|--------|---------------|---------|--------------|
| | | کاملاً مخالفم | مخالفم | نظری ندارم | موافقم | کاملاً موافقم | | |
| ۱ | من بیشتر ساکنان این مجموعه مسکونی را می‌شناسم. | ۱۰,۱ | ۸,۸ | ۱۸,۱ | ۲۳,۷ | ۳۹,۳ | ۴,۱۳ | ۱,۲۶ |
| ۲ | اغلب افراد این مجموعه مسکونی من را می‌شناسند. | ۹,۵ | ۱۷,۱ | ۲۷,۹ | ۲۵,۳ | ۲۰,۲ | ۳,۱۱ | ۱,۳۶ |
| ۳ | من همیشه در فعالیتهای اجتماعی که توسط هیئت مدیره مجموعه تشکیل می‌شود شرکت می‌کنم. | ۱۴,۲ | ۲۳,۲ | ۳۱,۳ | ۱۷,۸ | ۱۳,۵ | ۲,۵۶ | ۱,۱۱ |
| ۴ | وقتی همسایه‌هایم به مسافرت می‌روند، من از فرزندان، گیاهان و حیوانات خانگی آن‌ها مراقبت می‌کنم. | ۱۶,۶ | ۲۳,۱ | ۲۶,۲ | ۱۹,۸ | ۱۴,۳ | ۲,۹۹ | ۱,۲۲ |
| ۵ | من برای دیدگاه‌ها و نظرات همسایه‌های مجموعه مسکونی که در آن زندگی می‌کنم ارزش قائلم. | ۱۲,۲ | ۱۰,۲ | ۳۶,۲ | ۲۳,۳ | ۱۸,۱ | ۳,۱۴ | ۱,۲۴ |
| ۶ | هر وقت که در این مجموعه مسکونی مشکلی به‌وجود بیاید توسط ساکنان مجموعه حل می‌شود. | ۱۴,۹ | ۲۱,۵ | ۱۳,۲ | ۳۷,۲ | ۱۳,۲ | ۳,۳۶ | ۱,۲۳ |
| ۷ | من خودم را عضوی از این مجموعه مسکونی می‌دانم. | ۱۴,۷ | ۲۴,۶ | ۲۵,۳ | ۱۸,۳ | ۱۷,۱ | ۳,۴۲ | ۱,۲۹ |
| ۸ | من می‌توانم به ساکنان مجموعه‌ای که در آن زندگی می‌کنم اعتماد کنم. | ۱۸,۱ | ۳۱,۲ | ۲۱,۲ | ۱۸,۸ | ۱۰,۷ | ۲,۹۰ | ۱,۰۷ |
| ۹ | من این مجموعه مسکونی را برای زندگی کردن مناسب می‌دانم. | ۱۴,۷ | ۲۴,۲ | ۲۸,۳ | ۱۹,۵ | ۱۳,۳ | ۲,۸۸ | ۱,۱۰ |
| ۱۰ | من از زندگی کردن در میان ساکنان این مجموعه مسکونی راضی هستم. | ۱۶,۴ | ۳۱,۳ | ۲۵,۲ | ۱۶,۹ | ۱۰,۲ | ۲,۷۵ | ۱,۱۲ |
| ۱۱ | ساکنان این مجموعه همیشه برنامه‌های مشترک مهمی برگزار می‌کنند از قبیل، جشن تولد، جشن ازدواج، مراسم مذهبی (مانند جشن عید فطر، عید قربان، شب‌های قدر، مراسم ایام محرم، رمضان و غیره). | ۱۱,۵ | ۱۳,۷ | ۲۱,۱ | ۲۹,۲ | ۲۴,۵ | ۳,۵۱ | ۱,۳۱ |
| ۱۲ | ساکنان این مجموعه مسکونی به یکدیگر اهمیت می‌دهند. | ۱۴,۳ | ۳۱,۲ | ۲۳,۲ | ۱۹,۲ | ۱۲,۱ | ۲,۹۵ | ۱,۱۳ |

۵. بحث و تحلیل نتایج

از میان متغیرهای مربوط به ویژگی‌های فردی، متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، داشتن فرزندان زیر ۱۲ سال و مدت اقامت، با ادراک حس‌تعلق اجتماعی رابطه نشان می‌دهد. چنانچه در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، میانگین حس‌تعلق اجتماعی در بین زنان و مردان متفاوت است و این تفاوت از نظر آماری معنادار است. اگرچه این تفاوت می‌تواند علل مختلفی داشته باشد، شاید به‌دلیل این‌که، بیشتر پاسخ‌دهندگان زن، خانه‌دار هستند، به‌طور معمول کارهای ثابت روزمره

را در مجموعه مسکونی انجام می‌دهند و در نتیجه تعامل بیشتری با سایر ساکنان دارند. همچنین میانگین حس‌تعلق اجتماعی ساکنان متأهل بیشتر از ساکنان مجرد است؛ این تفاوت از نظر آماری معنادار است. داشتن فرزندان زیر دوازده سال نیز موجب افزایش حس‌تعلق اجتماعی می‌شود. به‌نظر می‌رسد وجود فرزندان سبب ارتباطات خانوادگی بیشتر و پیوندهای اجتماعی بیشتر می‌شود. با وجود این‌که گفته می‌شود، سن افراد بر میزان حس‌تعلق اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار است، در این تحقیق تفاوت معناداری بین رده‌های سنی مختلف مشاهده نشد.

جدول ۲: رابطه ویژگی‌های فردی و حس‌تعلق اجتماعی

| متغیر | سطوح متغیر | تعداد پاسخ‌ها | میانگین | سطح معناداری |
|------------------------|---------------|---------------|---------|--------------|
| جنسیت | زن | ۱۶۸ | ۳۷,۱۵ | *,۰۱۵* |
| | مرد | ۱۹۲ | ۳۰,۲۳ | |
| وضعیت تأهل | مجرد | ۲۲۶ | ۳۴,۳۲ | *,۰۲* |
| | متأهل | ۱۳۴ | ۴۰,۲۸ | |
| داشتن فرزند زیر ۱۲ سال | بله | ۱۳۶ | ۳۸,۱۴ | *,۰۱۵ |
| | خیر | ۲۲۴ | ۳۱,۲۲ | |
| سن | ۲۰ تا ۳۹ ساله | ۹۴ | ۳۴,۳۱ | *,۰۶۵ |
| | ۴۰ تا ۵۹ ساله | ۱۸۹ | ۳۷,۱۷ | |
| | ۶۰ تا ۷۹ ساله | ۷۷ | ۳۳,۰۲ | |

*P < 0.05

نتایج به‌دست آمده در مورد مدت اقامت نشان می‌دهد که حس‌تعلق اجتماعی در میان کسانی که محل سکونت خود را تغییر نداده‌اند، در مقایسه با کسانی که به این کار مبادرت کرده‌اند، بیشتر است. هر چقدر فرد مدت زمان بیشتری در یک مجموعه مسکونی اقامت داشته باشد، از حس‌تعلق اجتماعی بالاتری برخوردار است. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه مثبت میان مدت اقامت و حس‌تعلق اجتماعی تأیید می‌شود. رابطه مذکور مبین آن است که اقامت طولانی در مجموعه مسکونی، شناخت همسایه‌ها را از یکدیگر بیشتر می‌کند، تعداد دوستان را در همسایگی افزایش می‌دهد و مشارکت در رویدادهای محلی را تقویت می‌نماید. این ریشه داشتن در محل، موجب افزایش حس‌تعلق اجتماعی می‌شود. این یافته مطابق یافته‌های امیرکافی و فتاحی (۲۰۱۱) است.

جدول ۳: رابطه مدت اقامت و حس‌تعلق اجتماعی

| مجموع مجذورات | درجه آزادی (df) | میانگین مجذورات | اف (F) | سطح معناداری |
|---------------|-----------------|-----------------|--------|--------------|
| ۹۸۷,۲۲۳ | ۳ | ۲۹۸,۳۲۵ | ۶,۲۱ | *,۰۰۲* |
| ۱۸۹۳,۱۸۷ | ۱۸۶ | ۶۷,۳۰۹ | | |
| ۲۱۳۶,۱۲۳ | ۱۸۹ | | | |

*P < 0.05

بررسی میانگین حس‌تعلق اجتماعی پاسخ‌دهندگان به تفکیک فضاهای عمومی نشان می‌دهد که حس‌تعلق اجتماعی در میان کسانی که در محدوده زمین‌های بازی کودکان حاضر می‌شوند بیشتر از افرادی است که از فروشگاه‌ها و سایر فضاهای باز عمومی بین ساختمان‌ها استفاده می‌کنند. پس از زمین‌های بازی، فضاهای باز عمومی بین ساختمان‌ها و فروشگاه‌ها قرار دارند. فضای باز عمومی بین ساختمان‌ها و فروشگاه‌های خرده‌فروشی در مجموعه مسکونی مکان‌های عمومی هستند که سبب افزایش پیوندهای اجتماعی محلی ساکنان و به تبع آن موجب افزایش حس‌تعلق اجتماعی می‌شوند. یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که افرادی در فضاهای عمومی به انجام فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند، از حس‌تعلق اجتماعی بیشتری برخوردارند. بیشترین حس‌تعلق اجتماعی با انجام فعالیت‌های اجتماعی در فضاهای عمومی و پس از آن با انجام فعالیت‌های انتخابی رابطه دارد. انجام فعالیت‌های ضروری در افزایش حس‌تعلق اجتماعی ساکنان تأثیری ندارد. این یافته، با نتایج یان گل (۲۰۱۳؛ ۲۰۱۱) انطباق دارد. حضور ساکنان در فضاهای باز عمومی، برای انجام فعالیت‌های اجتماعی، پیوندهای اجتماعی محلی را تقویت کرده و موجب افزایش حس‌تعلق اجتماعی می‌شود.

جدول ۴: استفاده از فضاهای عمومی و حس تعلق اجتماعی

| سطح معناداری | اف (F) | میانگین | سطوح متغیر | متغیر | |
|--------------|--------|-------------------------|---------------------|--------------------|-----------------|
| *۰,۰۰۱ | ۴,۵۴ | ۳۴,۱۵ ۳۷,۲۳ ۴۰,۱۲ | کم متوسط زیاد | زمین‌های بازی | فراوانی استفاده |
| *۰,۰۰۳ | ۵,۶۷ | ۳۲,۳۲ ۳۶,۳۴ ۳۹,۱۶ | کم متوسط زیاد | فضاهای باز | |
| *۰,۰۴۸ | ۶,۱۲ | ۳۰,۳۶ ۳۴,۲۷ ۳۸,۳۷ | کم متوسط زیاد | فروشگاه‌ها | |
| ۰,۵۲ | ۶,۵۴ | ۲۸,۲۲ ۳۰,۱۳ ۳۲,۱۵ | کم متوسط زیاد | فعالیت‌های ضروری | نحوه استفاده |
| *۰,۰۰۱ | ۴,۸۷ | ۳۴,۳۸ ۳۵,۱۷ ۳۷,۳۶ | کم متوسط زیاد | فعالیت‌های اختیاری | |
| *۰,۰۰۰** | ۴,۳۴ | ۳۴,۲۵ ۳۷,۳۷ ۴۲,۲۳ | کم متوسط زیاد | فعالیت‌های اجتماعی | |

*P < 0.05 **P < 0.01

جدول ۵ همبستگی میان متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته نشان می‌دهد. بیشترین میزان همبستگی میان دو متغیر استفاده از فضای عمومی و حس تعلق اجتماعی است، و پس از آن همبستگی احساس امنیت، پیوندهای اجتماعی محلی با حس تعلق اجتماعی قرار دارد. در مقابل، همبستگی میان دو متغیر مدت اقامت و حس تعلق اجتماعی در مقایسه با سایر همبستگی‌ها از همه کمتر است.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل با حس تعلق اجتماعی

| متغیرها | حس تعلق اجتماعی | پیوندهای اجتماعی | اعتماد اجتماعی | کنترل اجتماعی | احساس امنیت | استفاده از فضای عمومی | کاربری‌های مختلط | مدت اقامت |
|------------------|-----------------|------------------|----------------|---------------|-------------|-----------------------|------------------|-----------|
| حس تعلق اجتماعی | — | | | | | | | |
| پیوندهای اجتماعی | ضریب پیرسون | ۰,۵۳۱ | — | | | | | |
| | سطح معناداری | *۰,۰۰۰** | — | | | | | |
| اعتماد اجتماعی | ضریب پیرسون | ۰,۳۷۲ | ۰,۵۹۴ | — | | | | |
| | سطح معناداری | *۰,۰۰۰** | *۰,۰۰۰** | — | | | | |
| کنترل اجتماعی | ضریب پیرسون | ۰,۳۴۹ | ۰,۶۱۳ | ۰,۶۸۷ | — | | | |
| | سطح معناداری | *۰,۰۰۰** | *۰,۰۰۰** | *۰,۰۰۰** | — | | | |

| | | | | | | | | |
|-------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|-----------------|--------------------------|
| | | — | ۰,۵۶۳ | ۰,۶۶۹ | ۰,۵۵۲ | ۰,۵۷۸ | ضریب پیرسون | احساس امنیت |
| | | — | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۰۰** | سطح معناداری | |
| | — | ۰,۵۲۳ | ۰,۴۱۶ | ۰,۳۴۲ | ۰,۵۴۱ | ۰,۶۳۲ | ضریب پیرسون | استفاده از فضای عمومی |
| | — | ۰,۲۱۰* | ۰,۸۲۰* | ۰,۴۳۰* | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۰۰** | سطح معناداری | |
| — | ۰,۵۷۸ | ۰,۵۶۴ | ۰,۴۰۱ | ۰,۲۸۵ | ۰,۳۹۸ | ۰,۴۵۱ | ضریب پیرسون | کاربری‌های مختلط |
| — | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۱۶* | ۰,۰۳۶* | ۰,۰۴۴* | ۰,۰۰۰** | سطح معناداری | |
| ۰,۰۸۶ | ۰,۳۶۷ | ۰,۶۰۳ | ۰,۴۸۹ | ۰,۵۳۴ | ۰,۴۷۵ | ۰,۲۹۷ | ضریب پیرسون | مدت اقامت |
| ۰,۰۷۵ | ۰,۰۳۹* | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۲۶* | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۰۰** | ۰,۰۴۳* | سطح معناداری | |

*P < 0.05 **P < 0.01

نتایج به دست آمده مندرج در جدول ۶، نشان می‌دهد که متغیر پیوندهای اجتماعی محلی بیشترین تأثیر را بر حس‌تعلق اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی مورد مطالعه دارد و پس از آن متغیر استفاده از فضای عمومی قرار دارد. کمترین میزان تأثیر مربوط به کنترل اجتماعی و مدت اقامت است.

جدول ۶: جدول ضرایب

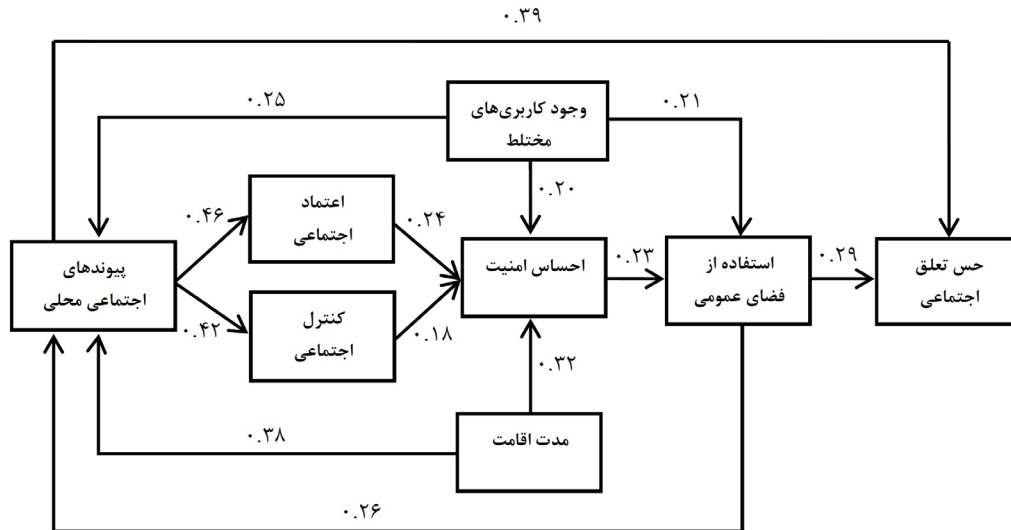
| سطح معناداری (SIG) | تی (T) | ضرایب استاندارد شده | | مدل |
|--------------------|--------|-----------------------------|------------|-----|
| | | خطای استاندارد (Ste. Error) | بتا (Beta) | |
| ۰,۰۰۰ | ۵,۱۵ | ۰,۱۱۵ | ۰,۳۱ | ۱ |
| ۰,۰۳۳ | ۱,۸۹ | ۰,۴۲۰ | ۰,۲۱ | |
| ۰,۰۲۳ | ۱,۶۹ | ۰,۴۴۰ | ۰,۰۶ | |
| ۰,۰۰۰ | ۲,۹۸ | ۰,۸۷۱ | ۰,۳۲ | |
| ۰,۰۰۰ | ۳,۰۲ | ۰,۳۵۲ | ۰,۹۲ | |
| ۰,۰۰۳ | ۲,۹۷ | ۰,۹۱۰ | ۰,۹۱ | |
| ۰,۰۹۱ | ۱,۲۵ | ۰,۵۳۰ | ۰,۴۰ | |

جدول ۷: خلاصه مدل

| خطای استاندارد | مجذور آر (R ²) تعدیل شده | مجذور آر (R ²) | آر (R) | مدل ۱ |
|----------------|--------------------------------------|----------------------------|--------|-------|
| ۰,۱۶۰۲ | ۰,۶۴۷ | ۰,۷۰۱ | ۰,۸۴۵ | |

مطابق جدول ۷، مقدار مجذور آر (R²) نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از کل واریانس متغیر حس‌تعلق اجتماعی با یک ترکیب خطی از متغیرهای پیوند اجتماعی محلی، اعتماد و کنترل اجتماعی، احساس امنیت، مدت اقامت، استفاده از فضای عمومی و وجود کاربری‌های مختلط توضیح داده شده است و ۳۰ درصد از تغییرات بدون توضیح باقی مانده است که به عواملی نسبت داده می‌شود که این مدل به آن‌ها نپرداخته است. جدول خلاصه مدل (جدول ۷) به وضوح نشان می‌دهد که آر (R) به لحاظ آماری کاملاً معنادار (۰,۰۰۰) است.

شکل ۳: الگوی تحلیل مسیر از روابط بین متغیرهای تحقیق



نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که تأثیر برخی از متغیرها بر متغیر وابسته، غیرمستقیم است و برخی دیگر دارای هر دو تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هستند. تأثیر مستقیم متغیر مدت اقامت بر متغیر وابسته ۰,۰۴ است. در حالی که مجموع تأثیرات غیرمستقیم آن بر متغیر وابسته ۰,۱۳ می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم متغیر مدت اقامت بیشتر از اثر مستقیم آن است. این وضعیت در مورد متغیر وجود کاربری‌های مختلط هم صادق است. همچنین مقادیر ضرایب مسیر نشان می‌دهد که پیوندهای اجتماعی محلی دارای هر دو تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته است. تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق تأثیر بر متغیرهای اعتماد اجتماعی، کنترل اجتماعی، احساس امنیت و استفاده از فضای عمومی است. پس از متغیر پیوندهای اجتماعی محلی، متغیر استفاده از فضای عمومی بیشترین تأثیر را برای روی متغیر حس تعلق اجتماعی دارد. البته تأثیر این متغیر نیز به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز مبین آن است که بر حسب ارزش ضریب بتا، پیوندهای اجتماعی محلی تعیین‌کننده‌ترین عامل تأثیرگذار بر حس تعلق اجتماعی محسوب می‌شود. پس از آن متغیرهای استفاده از فضای عمومی و حس امنیت بیشترین تأثیر را دارند. علاوه بر این، نتایج مربوط به تحلیل مسیر حاکی از این است که سازوکار تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پیچیده‌تر از رابطه مستقیم آن‌ها است و اثر غیرمستقیم آن‌ها قابل ملاحظه می‌باشد.

در مورد تأثیر متغیر کاربری‌های مختلط بر متغیر وابسته، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر مستقیم این متغیر بر حس تعلق اجتماعی با دیدگاه تالن (۱۹۹۹) هم خوانی دارد و از طرف دیگر، تأثیر غیرمستقیم آن بر حس تعلق اجتماعی که از طریق استفاده از فضای عمومی، افزایش حس امنیت و افزایش پیوندهای محلی صورت می‌گیرد، با دیدگاه جیکوبز (۱۹۶۱) که بر عوامل محیطی و فضایی تأکید می‌کند، سازگار است. هر چقدر سرانه کاربری‌های تجاری در محیط مسکونی بیشتر باشد، به عبارت دیگر از ایده کاربری‌های مختلط در برنامه‌ریزی مجموعه‌های مسکونی محصور استفاده شود، احتمال برخوردی‌های رو در رو و چهره به چهره افراد بیشتر می‌شود و سبب بالا رفتن تعاملات اجتماعی می‌شود که این امر خود سبب افزایش حس امنیت می‌شود و همچنین موجب استفاده بیشتر افراد از فضاهای عمومی می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مجموعه‌های مسکونی محصور به‌طور فزاینده‌ای در شهرهای ایران در حال گسترش هستند. آن‌ها اکنون جزئی غالب، از روند مسکن‌سازی شهری شده‌اند که بر پایه ایجاد مجموعه‌های مسکونی خودکفا، برنامه‌ریزی شده و با الگوهای مالکیت خصوصی ساخته می‌شوند. پیامدهای اجتماعی زندگی در این مجموعه‌ها، همچنان ناشناخته مانده و مطالعات تجربی بسیار اندکی درباره آن‌ها در ایران انجام شده است. داشتن حس تعلق اجتماعی عامل بسیار مهمی در تعیین کیفیت کلی زندگی است. مطابق نتایج تحقیق، ادراک حس تعلق اجتماعی در میان ساکنان مجموعه‌های مسکونی مطالعه شده، در حد بالایی نیست. نتایج تحقیق، تأییدکننده آن دسته از دیدگاه‌های مخالف در ادبیات است، که بر روی هزینه‌های اجتماعی مجموعه‌های مسکونی محصور تأکید می‌کنند. بر این اساس، مجموعه‌های مسکونی محصور می‌توانند یک مانع در برابر تعامل باشند و ممکن است بر مشکلات ایجاد شبکه‌های اجتماعی که فرصتی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌آورند، بیفزایند؛ که این موضوع به جنبه اجتماعی پایداری شهر مرتبط است. از آنجا که این مجموعه‌های مسکونی یک شبه به وجود نیامده‌اند، در کوتاه‌مدت نیز ناپدید نخواهند شد و قطعاً تا دهه‌ها دورنمای اصلی شهرها را خواهند ساخت.

در نتیجه، باید به دنبال راهی برای بهره‌گیری کامل از مزایای مجموعه‌های مسکونی محصور در کنار به حداقل رساندن آسیب‌های احتمالی آن‌ها بود.

شکل‌گیری و ارتقاء حس‌تعلق اجتماعی در محیط‌های مسکونی، یکی از مهم‌ترین اهدافی است که برنامه‌ریزان و طراحان باید به دنبال آن باشند. هیچ تک راهبردی برای دستیابی به این هدف وجود ندارد. در عوض، می‌توان مجموعه‌ای از دستورات عملی و توصیه‌های به هم مرتبط، در زمینه‌هایی مانند جمعیت، حمل‌ونقل، کاربری زمین، کیفیت محیط‌زیست، طراحی مسکن و طراحی شهری تهیه کرد که به ارتقاء حس‌تعلق اجتماعی ساکنان مجموعه‌های مسکونی کمک کند. با توجه به عوامل کالبدی شناسایی شده در این تحقیق، چند راهبرد برنامه‌ریزی و طراحی برای ارتقاء ادراک حس‌تعلق اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی محصور پیشنهاد می‌شود:

- ترویج کاربری‌های مختلط سازگار و تنوع در کاربری‌های زمین در مجموعه‌های مسکونی محصور؛
- ایجاد ترکیبی از انواع خانه‌ها، اندازه‌ها و سطوح قیمت در درون مجموعه مسکونی محصور برای امکان گردهم آمدن گروه‌های مختلف مردم؛
- کم کردن فاصله عملکردی ساختمان‌ها و خدمات، تا موجب راحتی پیاده‌روی و ایجاد مکان‌هایی مناسب برای ملاقات‌های اتفاقی شود؛
- تنوع در نحوه عبور و مرور در مجموعه مسکونی محصور؛ مانند گزینه‌های پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، استفاده از اتومبیل. پیاده‌روی و دوچرخه سواری سبب افزایش فعالیت فیزیکی و بالارفتن احتمال برخوردهای رو در رو می‌شود.
- خلق یک فضای عمومی پیاده‌محور با یک مقیاس انسانی و به هم پیوسته؛
- طراحی قلمروهای عمومی تا تعامل اجتماعی را تشویق کنند و از تنوع به واسطه ارائه فعالیت‌های اجتماعی مختلف، که در آن همه افراد بدون هیچ گونه تفکیکی پذیرفته می‌شوند، حمایت کنند؛
- طراحی مجموعه‌ای از فضاهای سبز و پارک‌ها در درون منطقه مسکونی محصور؛
- فعال کردن فضاها برای امنیت بیشتر، از طریق بهبود دسترسی‌پذیری بصری به فضاها، به گونه‌ای که کل مجموعه بتواند همانند «چشمان ناظر بر خیابان» عمل کنند.
- خلق یک هویت منحصربه‌فرد برای مجموعه مسکونی محصور.

پی‌نوشت

1. Gated community

۲. در زبان فارسی برای community ترجمه‌های مختلفی مانند: جامعه، اجتماع، محل اجتماع، اجتماع محلی و محله در نظر گرفته شده است. اما واژه community را می‌توان به دو شیوه متفاوت تعریف کرد (Wilson-Doenges, 2000, p. 598). از طرفی، منظور از community می‌تواند واحد جغرافیایی یا فیزیکی یک محله باشد؛ و از طرف دیگر با تمرکز بر مؤلفه‌های اجتماعی، به روابط بین افراد بدون در نظر گرفتن یک مکان خاص اطلاق می‌شود. بنابراین، می‌توان از community هم به عنوان «اشغال کردن یک منطقه جغرافیایی» و هم به عنوان مجموعه‌ای از «شبکه اجتماعی میان افرادی که با یکدیگر در تعامل» هستند، یاد کرد. هرگاه community به صورت تنها به کار رود به ویژگی‌های فیزیکی و جغرافیایی ارجاع دارد و هرگاه به صورت sense of community به کار رود به شبکه اجتماعی بین افراد ارجاع دارد. بنابراین، می‌توان gated community را یک مجموعه مسکونی محصور یا دروازه‌دار و اصطلاح sense of community را به حس‌تعلق اجتماعی ترجمه کرد، چرا که در اصطلاح اول، community به یک جغرافیا و در اصطلاح دوم، به روابط بین افراد اشاره دارد.

3. Ellin
4. Architecture of fear
5. Foucault
6. Architecture of control
7. Common-interest developments (CIDs)
8. Private neighbourhood
9. Enclosed neighbourhoods
10. Security village
11. Enclosed condominium estates
12. CCTV
13. Psychological sense of community
14. Sense of community

15. Physical rootedness
16. Talen
17. Jane Jacobs
18. Repetitive chance encounters
19. Gehl
20. McMillan & Chavis
21. Internal reliability
22. McMillan & Chavis
23. Cronbach`s alpha
24. Use
25. Frequency of public space use
26. Mode of public open spaces
27. Survey
28. Self-reporting
29. Pedhazur
30. Beta

References

- Altman, I., & Wohlwill, J.F. (2012). *Human Behavior and Environment: Advances in Theory and Research*. Springer Science & Business Media, 2.
- Amirkafi, M., & Fathi, Sh. (2011). Investigating Factors Affecting Attachment to Neighborhood Case Study: Kerman City. *Journal of Iranian Social Studies*, 5(1), 1-26.
- Atkinson, R., & Blandy, S. (Eds.). (2013). *Gated Communities: International Perspectives*. Routledge.
- Austin, D.M., Furr, L.A., & Spine, M. (2002). The Effects of Neighborhood Conditions on Perceptions of Safety. *Journal of Criminal Justice*, 30(5), 417-427.
- Bell, P.A., Greene, T.C., Fisher, J.D., & Baum, A. (2005). *Environmental Psychology*. Psychology Press. London.
- Blakely, E.J. (1999). The Gated Community Debate. *Urban Land*, 58, 50-55.
- Blakely, E.J., & Snyder, M.G. (Eds.). (1997). *Fortress America: Gated Communities in the United States*. Brookings Institution Press.
- Blandy, S. (2018). Gated Communities Revisited: Defended Homes Nested in Security Enclaves. *People, Place & Policy Online*, 11(3).
- Brodsky, A.E., & Marx, C.M. (2001). Layers of Identity: Multiple Psychological Senses of Community within a Community Setting. *Journal of Community Psychology*, 29(2), 161-178.
- Buckner, J.C. (1988). The Development of an Instrument to Measure Neighborhood Cohesion. *American Journal of Community Psychology*, 16(6), 771-791.
- Byers, M. (2003). *Waiting at the Gate: The New, Postmodern Promised Lands*. Suburban Sprawl: Culture, Ecology and Politics Eds H Bartling, M Lindstrom (Rowman and Littlefield), Lanham, MD, 23-44.
- Campbell, K. E., & Lee, B. A. (1992). Sources of Personal Neighbor Networks: Social Integration, Need, or Time?. *Social Forces*, 70(4), 1077-1100.
- Chavis, D.M., & Pretty, G.M. (1999). Sense of Community: Advances in Measurement and Application. *Journal of Community Psychology*, 27(6), 635-642.
- Chavis, D.M., & Wandersman, A. (1990). Sense of Community in the Urban Environment: A Catalyst for Participation and Community Development. *American Journal of Community Psychology*, 18(1), 55-81.
- Chipuer, H.M., & Pretty, G.M. (1999). A Review of the Sense of Community Index: Current Uses, Factor Structure, Reliability, and Further Development. *Journal of Community Psychology*, 27(6), 643-658.
- Cowan, R., & Hall, P.G. (2005). *The Dictionary of Urbanism*. Tisbury: Streetwise Press, 67.
- Davidson, W.B., & Cotter, P.R. (1986). Measurement of Sense of Community within the Sphere of City1. *Journal of Applied Social Psychology*, 16(7), 608-619.
- Ellin, N. (1997). *Architecture of Fear*. Princeton Architectural Press.
- Foucault, M. (2007). *Security, Territory, Population*. Lectures at the Collège de France, 1977-78. Springer.
- Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiman, M. (2012). Creating Sense of Community: The Role of Public Space. *Journal of Environmental Psychology*, 32(4), 401-409.
- Gehl, J. (2011). *Life between Buildings: Using Public Space*. Island Press.
- Gehl, J. (2013). *Cities for People*. Island Press.
- Gifford, R. (2007). *Environmental Psychology: Principles and Practice*. Colville, WA: Optimal Books.
- Gifford, R. (Ed.). (2016). *Research Methods for Environmental Psychology*. John Wiley & Sons.
- Glynn, T.J. (1986). Neighborhood and Sense of Community. *Journal of Community Psychology*, 14(4), 341-352.
- Grant, J.L. (2007). Two Sides of a Coin? New Urbanism and Gated Communities. *Housing Policy Debate*, 18(3), 481-501.
- Grant, J., & Mittelsteadt, L. (2004). Types of Gated Communities. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 31(6), 913-930.
- Greenberg, S.W., & Rohe, W.M. (1984). Neighborhood Design and Crime: A Test of Two Perspectives. *Journal of the American Planning Association*, 50(1), 48-61.
- Hill, J.L. (1996). Psychological Sense of Community: Suggestions for Future Research. *Journal of Community Psychology*, 24(4), 431-438.
- Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of American Cities*. New York: Routledge.
- Judd, D. (1995). *The Rise of New Walled Cities*. In Spatial Practices. H. Liggett & D. C. Perry, eds. 144-165. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Landman, K. (2000). *Gated Communities and Urban Sustainability: Taking a Closer Look at the Future*. In 2nd Southern African Conference on Sustainable Development in the Built Environment Strategies for Sustainable Built Environment, Pretoria, South Africa, 23-25.

- Landman, K. (2002a). *Transforming Urban Spaces in South Africa: The Impact of Enclosed Neighbourhoods on the Urban Future*. Transforming Rural and Urban Spaces in South Africa during the 1990s: Reform, Restitution, Restructuring, 205-225.
- Landman, K. (2002b). *Gated Communities in South Africa: Building Bridges or Barriers*. In International Conference on Private Urban Governance, Mainz, Germany, 649.
- Le Goix, R. (2005). Gated Communities: Sprawl and Social Segregation in Southern California. *Housing Studies*, 20(2), 323-343.
- Leyden, K.M. (2003). Social Capital and the Built Environment: The Importance of Walkable Neighborhoods. *American Journal of Public Health*, 93(9), 1546-1551.
- Low, S. (2003). *Behind the Gates*. New York and London: Routledge.
- Maxwell, D.K. (2004). *Gated Communities: Selling the Good Life*. Dalhousie University.
- McKenzie, E. (2003). Common Interest Housing in the Communities of Tomorrow. *Housing policy Debate*, 14(1-2), 203-234.
- McMillan, D.W. (1996). Sense of Community. *Journal of Community Psychology*, 24(4), 315-325.
- McMillan, D.W., & Chavis, D.M. (1986). Sense of Community: A Definition and Theory. *Journal of Community Psychology*, 14(1), 6-23.
- Nasar, J.L., & Julian, D.A. (1995). The Psychological Sense of Community in the Neighborhood. *Journal of the American Planning Association*, 61(2), 178-184.
- Obst, P., Smith, S.G., & Zinkiewicz, L. (2001). An Exploration of Sense of Community, Part 3: Dimensions and Predictor of Psychological Sense of Community in Geographical Communities. *Journal of Community Psychology*, 30(1), 119-133.
- Obst, P.L., & White, K.M. (2004). Revisiting the Sense of Community Index: A Confirmatory Factor Analysis. *Journal of Community Psychology*, 32(6), 691-705.
- Pedhazur, E.J. (1997). *Multivariate Regression in Behavioral Research*.
- Perkins, D.D., Florin, P., Rich, R.C., Wandersman, A., & Chavis, D.M. (1990). Participation and the Social and Physical Environment of Residential Blocks: Crime and Community Context. *American Journal of Community Psychology*, 18(1), 83-115.
- Pooley, J.A., Cohen, L., & Pike, L.T. (2005). Can Sense of Community Inform Social Capital? *The Social Science Journal*, 42(1), 71-79.
- Riger, S., & Lavrakas, P. J. (1981). Community Ties: Patterns of Attachment and Social Interaction in Urban Neighborhoods. *American Journal of Community Psychology*, 9(1), 55-66.
- Rogers, G.O., & Sukolratanamete, S. (2009). Neighborhood Design and Sense of Community: Comparing Sub-Urban Neighborhoods in Houston Texas. *Landscape and Urban Planning*, 92(3), 325-334.
- Roitman, S. (2010). Gated Communities: Definitions, Causes and Consequences. *Proceedings of the Institution of Civil Engineers: Urban Design and Planning*, 163(1), 31-38.
- Skjaeveland, O., Gärling, T., & Maeland, J.G. (1996). A Multidimensional Measure of Neighboring. *American Journal of Community Psychology*, 24(3), 413-435.
- Talen, E. (1999). Sense of Community and Neighbourhood Form: An Assessment of the Social Doctrine of New Urbanism. *Urban Studies*, 36(8), 1361-1379.
- Wilson-Doenges, G. (2000). An Exploration of Sense of Community and Fear of Crime in Gated Communities. *Environment and Behavior*, 32(5), 597-611.
- Zaireen, Z.A., Norhidayah, M.Y., Razali, M.N., Maslinda, A.L., Hussin, K., & Zakaria, S.R.A. (2015). The Typology of Gated Communities from Housing Developers' Perspective. *Advanced Science Letters*, 21(5), 1247-1250.